

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه ۵ ژوئن ۲۰۲۰ مصادف با ۱۶ خرداد ۱۳۹۹

حضرت امیر المؤمنین سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز خلیفۃ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مہدی علیہ السلام در ۵ ژوئن ۲۰۲۰ مصادف با ۱۶ خرداد ۱۳۹۹ در بیت مبارک، بریتانیا خطبہ جمعہ را ایراد فرمودند کہ با تراجم در زبانہای مختلف بر مسلم تلویزیون احمدیہ بین المللی زندہ پخش شد.

بعد از تشهد و تلاوت آیات مسنون حضور انور ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز فرمودند: امروز ہم ذکر صحابہ بدر خواہم کرد. ذکر کسی از بین آنان است، اسم ایشان حضرت صہیب بن سنان رضی اللہ عنہ است. اسم پدر حضرت صہیب، سنان بن مالک و اسم مادر سلمیٰ بن قعید بود. رنگ حضرت صہیب قرمز بود و دراز قد نبودند و نہ کوچک و موہای گندہ داشتند. وطن حضرت صہیب موصل بود، پدر یا عموی حضرت صہیب عامل کسری بود، شہری کنار دجلہ ابواللہ است و بعدا بصری نامیدہ شد. رومی ہا بہ این منطقہ حملہ کردند و حضرت صہیب را بہ اسارت گرفتند درحالیکہ کم سن بودند حضرت صہیب بین رومیان بزرگ شدند و لکت زبان داشتند. طبق روایتی وقتی حضرت صہیب بہ سن بلوغ رسیدند، از روم فرار کردند و مکہ آمدند.

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه در ضمن این فرمودند که در قرآن کریم آمده است که کفار می‌گویند که این قرآن را پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با کمک دیگران و بردگان درست کرده است. فرمودند که این اعتراض بیهوده است. این ایمان مومنین و کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و خداوند متعال ایمان آوردند و آنها را ثبات بخشید و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم اسلام آموختند .

حضرت صهیب بعد از سی نفر اسلام قبول کردند. حضرت انس بیان کردند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند که کسانی که در اسلام سبقت گرفتند آنها چهار نفر اند. ایشان فرمودند که من بین عرب سبقت گرفتم و صهیب از بین رومیان و سلمان از بین فارس و بلال از بین حبشه سبقت گرفت.

حضرت صهیب بین آن مومنین بودند که ناتوان به شمار می‌رفتند و کسانی که به مکه در راه خداوند اذیت رسانده می‌شوند. ایشان هم بسیار سختی‌ها را تحمل کردند. طبق روایتی حضرت عمار بن یاسر اینقدر مورد اذیت قرار می‌گرفتند که به ایشان معلوم نبود که با ایشان چه شده است و همین حالت حضرت صهیب، حضرت ابوفائد، حضرت عامر بن فهیره و اصحاب دیگر بود. و در مورد همین اصحاب آیتی نازل گردید

ثم ان ربك للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا فصبروا ان
ربك من بعدها لغفور الرحیم

پس به حتم رب تو! کسانی که هجرت نمودند و بعدا به فتنه مبتلا
شدند و آنان جهاد کردند و صبر کردند پس به یقین رب تو! بخشنده و
مهربان است.

حضرت صهیب شخص پولدار بودند و تجارت می کردند و از آدمهای
نامدار مکه شمار می رفتند، اما به سبب اینکه ایشان پولدار بودند و آزاد
هم بودند اکنون برده نبودند بازهم قریش ایشان را کتک می زدند و
بیهوش می کردند. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به طرف
مدینه هجرت نمودند و آن موقع صهیب هم خواستند که به طرف
مدینه بروند اما مردم مکه ایشان را بازداشت کردند و گفتند که پولی
که در مکه کسب کردید نمی توانید بیرون مکه ببرید و ما نمی گذاریم
که ببرید. صهیب گفتند که اگر من تمام پول را رها کنم، آیا آن موقع من
را رها می کنید که بروم. آنان راضی شدند و ایشان تمام پول را به مردم
مکه سپردند و دست خالی به مدینه رفتند و در خدمت رسول اکرم
صلی الله علیه وسلم آمدند. ایشان فرمودند که صهیب! این معامله تو
از تمام معامله های قبلی سودمند است. یعنی قبلا به سبب اسباب، پول
به دست آوردید اما اکنون به عوض پول، ایمان به دست آوردید. پیامبر
اکرم صلی الله علیه وسلم بعد از مهاجرت حضرت صهیب از مکه به
مدینه بین ایشان و حضرت حارث بن سمه مواخوات فرمودند. حضرت

صهیب در غزوه بدر، احد، خندق و در تمام غزوات همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شامل شدند.

حضرت عمر، حضرت صهیب را خیلی دوست داشتند و در مورد ایشان فکر عالی داشتند تا این حدی که وقتی حضرت عمر زخمی شدند و ایشان وصیت کردند که نماز میت من را صهیب امامت می کند و برای سه روز امام جماعت مسلمانان خواهند بود تا اینکه اهل شوری متفق شوند کسانی که انتخاب خلیفه کند.

وفات حضرت صهیب در ماه شوال ۳۸ هجری اتفاق افتاد. طبق برخی در ۳۹ هجری رخ داد. موقع درگذشت سن ایشان ۷۳ سال بود و طبق برخی روایات ۷۰ سال بود و ایشان در مدینه مدفون هستند.

ذکر صحابی بعد حضرت سعد بن ربیع است، حضرت سعد از خاندان بنو حارث که قبیله خزرج انصار بود، تعلق داشتند. اسم پدرشان ربیع بن عمر و اسم مادرشان حزیله بنت عتبه بود. حضرت سعد دو تا همسر داشتند اسم یکی عمره بنت حزم و اسم دوم حبیبه بنت زید بود. حضرت سعد بن ربیع در زمان جاهلیت باسواد بودند وقتی خیلی کم مردم باسواد بودند. حضرت سعد نقیب قبیله بنو حارث بودند و همراه ایشان حضرت عبدالرحمن بن عوف هم نقیب همین قبیله بودند. حضرت سعد در بیعت عقبه اولی و ثانی شرکت نمودند. موقع هجرت مدینه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بین حضرت سعد و حضرت عبدالرحمن مواخات فرمودند. در صحیح بخاری روایتی آمده است که

حضرت عبدالرحمن بن عوف بیان می کنند که وقتی ما به مدینه آمدیم و آنوقت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم من و سعد بن ربیع را باهم برادر ساختند. آن وقت سعد بن ربیع گفت که من از بین انصار پولدار هستم و نصف مال خودم به شما می دهم و من دو تا همسر دارم و هر کسی را شما دوست دارید من در حق شما قرار می دهم. وقتی عدتش تمام شود آن وقت می توانید عقد کنید. حضرت عبدالرحمن با شنیدن این گفتند که لزومی برای این ندارد. شما فقط خبر دهید که بازار کجا است تا تجارت کنم.

. حضرت سعد بن ربیع در غزوه بدر و احد شرکت نمودند و در غزوه احد شهید شدند.

حضرت مرزا بشیر احمد درمورد رخداد شهادت حضرت سعد بن ربیع نوشتند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در میدان تشریف بردند و فرمودند که یکی ببیند که حال سعد بن الربیع رئیس انصار چطور است و آیا او زنده است یا شهید شده است؟ زیرا در اثنای جنگ دیدم که به شدت در ورطه نیزه های دشمن قرار داشت. آنگاه یک صحابی انصاری ابی بن کعب به دنبال او رفت و در میدان جنگ این طرف و آن طرف سعد را گشت اما پیدایش نکرد. عاقبت به صدای بلند او را صدا زد و نام سعد را خواند که شاید اینگونه پیدایش کند. اول فقط نامش را صدا کرد ولی بعد فکر کرد که باید این طوری صدایش کنم که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مرا برای جستجوی

تو فرستاده‌اند. پس وی به صدای بلند گفت: سعد بن ربیع کجا است، مرا رسول الله به دنبال او فرستاده‌اند. این صدا در بدن نیم مرده سعد موج برق جاری کرد، وی در وسط جنازه‌ها در حال نیم مرده بود، ولی به محض اینکه نام حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را شنید، یکباره در بدن او تحرکی ایجاد شد و وی به صدای بسیار ضعیف پاسخ داد که کیست؟ من اینجایم؛ ابی بن کعب به دقت نگاه کرد و یک کم دور از آنجا سعد را در میان جنازه‌ها پیدا کرد که آن زمان در حال احتضار بود. ابی بن کعب به او گفت: حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مرا بدین خاطر فرستاده‌اند که از حال شما به ایشان اطلاع دهم. سعد در پاسخ گفت: به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم سلام مرا برسان و بگو که آنچه به پیامبران خود به سبب فداکاری و اخلاص پیروانشان ثواب داده می‌شود، خداوند متعال آن ثواب را بیشتر از سایر پیامبران به شما عطا کند و چشمانتان را روشن بدارد و به برادران مسلمان و قوم هم سلام برسان و بگو که اگر در این حالت که دارید نفس می‌کشید به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اذیتی برسد، در بارگاه الهی هیچ عذرتان پذیرفته نخواهد شد، پس از گفتن این سعد جان داد و درگذشت. حضرت مصلح موعود رضی الله عنه هم این رخداد را ذکر کرده‌اند و فرمودند ببینید در اینچنین زمان وقتی انسان می‌داند که در حال مردن است چقدر افکاری در دلش خطور می‌کند، می‌اندیشد که بعد از من همسرم چه می‌شود، از

فرزندانم چه کسی مراقبت می‌کند؟ اما این صحابی هیچ پیام دیگر نداد فقط گفت که ما در حال محافظت از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از این جهان داریم کوچ می‌کنیم، شما هم در همین مسیر به دنبال ما بیایید و بزرگترین کار همین محافظت از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است، حضرت مصلح موعود می‌نویسند که همین قوه ایمان آن مردم بود که جهان را زیر و رو کرد و تخت قیصر و کسری را ازبین برد.

باری، دختر حضرت سعد بن ربیع ام سعد نزد حضرت ابوبکر آمد، حضرت برای او پارچه را پهن کرد. حضرت عمر آمدند و پرسیدند: او کیست؟ حضرت ابوبکر فرمودند: این دختر آن کسی است که از من و شما بهتر بود. حضرت عمر پرسیدند: ای خلیفه رسول صلی الله علیه و سلم آن چه کسی است؟ حضرت ابوبکر فرمودند: آن مردی که وفاتش در زمان حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم رخ داد و مسکن خود را در بهشت برگزید در حالی که من و شما باقی مانده‌ایم.

حضرت سعد انسانی ثروتمند بود و در قبیله خود موقعیت ممتازی داشت. وی اولاد پسر نداشت، فقط دو دختر و همسر داشت چون تا این زمان هنوز بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرامینی مربوط به ارث و میراث نازل نشده بود لذا صحابه طبق رسم قدیم عرب ارث را تقسیم می‌کردند. در صورت نداشتن اولاد پسر فامیل‌های پدری دارای متوفی را به دست می‌گرفتند و بیوه و دختران متوفی

دست خالی می ماندند. به همین خاطر در هنگام شهادت سعد بن ربیع برادرش تمام دارایی او را به تصرف خود درآورد و بیوه و دختران سعد کاملاً بی یار و مددکار شدند. بیوه حضرت سعد از این مسئله نگران شده به همراه دو دختر خود در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حاضر شد و تمام قضیه را با ایشان در میان نهاده و نگرانی خود را ابراز نمود. این قصه دردمند فطرت صحیح و پاک حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را ناراحت کرد اما چون هنوز در این باره از طرف خداوند متعال فرمانی نازل نشده بود لذا حضرت به او فرمودند: منتظر باش، هر چه از طرف خداوند متعال حکم نازل شود، طبق آن حکم داده می شود. آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در این باره در بارگاه الهی دعا کردند و هنوز وقت زیادی نگذشته بود که بر آن حضرت آن آیاتی مربوط به ارث و میراث نازل شدند که در قرآن شریف در سوره نسا بیان شده اند. آنگاه حضرت برادر سعد را نزد خود فراخواندند و فرمودند: از دارایی سعد دو سوم به دخترانش و یک هشتم به زن برادرت بده و آنچه باقی بماند، آن را خودت داشته باش.

پس از این، حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز درباره اوضاع فعلی هم به طور مختصر درخواست دعا کردند و فرمودند که؛ دعا کنید که خداوند متعال نه تنها از ویروس کرونا و آفات دیگر جهان را پاک کند بلکه به انسان ها این عقل هم بدهد که بقا و رستگاری شان

منوط به رجوع به سوی خدای واحد و ادای حقوق همدیگر است و منوط به با فداکاری ازبین بردن فتنه و فساد است. خداوند متعال به دولت‌ها عقل و فهم بدهد که نظامی مبتنی بر عدالت برقرار کنند. آنچه در امریکا این روزها اضطراب و ناامنی شیوع پیدا کرده است، خداوند متعال هر احمدی را به طور ویژه از آن محفوظ بدارد و به عامه مردم آنجا هم توفیق دهد که به نحو درست تقاضاها و حقوق خود را مطرح کنند. چنانچه مردم سیاه‌پوست امریکا خانه‌های خود را بسوزانند، ضررش به خود آنها خواهد رسید و درباره این بعضی رهبران سیاه‌پوست امریکا هم گفته‌اند که خانه‌های خود را نسوزانید وسایل خانه‌های خود را نشکنید، آری حقوق خود را بگیرید اما به روش جایز و تا جایی که دولت اجازه دهد اعتراض هم بکنید اما آسیب رساندن به املاک خود هیچ فایده‌ای ندارد بلکه برعکس ضرر دارد لذا در این ارتباط هم معترضان باید بیندیشند. باری، نظام دولتی هم با توجه به تمام این فسادها که به عمل می‌آید باید الان بفهمد که با استفاده از قدرت مسایل حل نمی‌شوند و قدرت هرگز حل تمام مسایل نیست بلکه دولت را باید با عدالت و دادن حقوق تمام شهروندان مدیریت کرد. فقط در این صورت در کشور صلح و امنیت می‌تواند برقرار شود بدون آن امکانپذیر نیست. دولت هر قدر هم قدرتمند باشد اگر بین مردم اضطراب و مشکل هست، دولت نمی‌تواند برقرار بماند. به‌هرحال، خدا کند که در هر نقطه جهان که فتنه و فساد حاکم است، آن ازبین رود و

دولت‌ها حق شهروندان را ادا نکنند و عامه مردم برای گرفتن حقوق خود تا حد جایز بر دولت فشار وارد کنند.

همین‌طور دولت پاکستان هم باید بیندیشد که آنچه به سبب ترس از مالاها ظلم و سختگیری بر احمدی‌ها زیاد می‌کند، از آن دست بکشد، [مقامات] دولت خود را به عدالت مدیریت کنند و از تاریخ خود درس بگیرند. با مطرح کردن موضوع احمدیت یا ظلم به احمدی‌ها نه دولت‌های پیشین توانستند برقرار بمانند و نه در آینده دولتی می‌تواند برقرار بماند لذا این فکر را رها کنید که با مطرح کردن موضوع احمدیه می‌توانید دولت‌ها را مستدام کنید، آری در نتیجه این ظلم‌ها احمدیه بیش از پیش پیشرفت کرده است و این پیشرفت در آینده هم ان‌شاءالله صورت خواهد گرفت، این کار خداوند متعال است و هیچ‌کسی نمی‌تواند مانع آن شود. به‌هرحال، دعای ما این است که خداوند متعال از همه جای جهان ظلم و فتنه و فساد و ناامنی را ازبین برد و این ویروسی که امروزه شیوع پیدا کرده است، از آن انسان درس گرفته و در حالات خود تحول ایجاد کند و به ما احمدی‌ها بیش از پیش توفیق دهد که حق عبادت و حق بندگان خدا را ادا بکنیم تا ما هر چه بیشتر مهر و محبت خداوند متعال را به خود جذب کنیم و پیشرفت‌ها را هر چه سریعتر به چشم خود مشاهده کنیم. آمین

